



## بررسی ارتباط میان پروژه های خرده وام دهی و توانمند سازی زنان مطالعه موردی: زنان روستاهای آسیب دیده در زلزله بم

سیامک زند رضوی - رویا اخلاص پور\*

### چکیده:

در طی 20 سال اخیر در سراسر جهان پروژه هایی تحت عنوان خرده وام دهی اجرا شده است که گروههای هدف آن زنان هستند. پیش فرضهای اجرای این پروژه ها عبارتند از: افزایش توانایی زنانی که از برنامه های خرده وام دهی سود می برند دسترسی آنها به منابع و کسب و کار افزایش می یابد و باعث می شود که آنها در رفاه اجتماعی خانوار سرمایه گذاری کنند. توانمندی زنان موجب خودتکایی و اعتماد به نفس بیشتر آنان می شود و آنها را قادر می سازد که در سایر فضاهای زندگی حقوق خود را درخواست کنند.

این مقاله تلاش می کند با مرور یک تجربه خرده وام دهی که در سال گذشته در یکی از آسیب دیده ترین روستاهای بم اجرا شده است به تحلیل انتقادی این پیش فرضها بپردازد. برای انجام این مطالعه از روشهای ترکیبی تحقیق، یعنی روش عملی مشارکتی، مشاهده فعال و تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که اعتبار به تنهایی به افزایش توانمندی زنان منجر نمی شود بلکه فرآیندی که در آن اعتبار داده می شود و درجه مشارکت افراد دریافت کننده اعتبار از اهمیت اساسی برخوردار است.

### مقدمه

زلزله پنجم دی ماه 1382 (26 دسامبر 2003) با قدرت تخریبی 6/4 ریشتر به کشته شدن دهها هزار انسان و بی خانمان شدن بیش از 100 هزار نفر در شهر بم و روستاهای اطراف شد. بر خلاف باورهای عام که زلزله جنسیت ندارد، نتایج مطالعات در سراسر جهان نشان می دهد که بلایای طبیعی بر زنان با شدت بیشتری تأثیر می گذارد، در شرایط فقدان بیمه های اجتماعی زنان با از دست دادن سرپرست خانوار منبع درآمدی خود را از دست می دهند و امکان یافتن شغل در این شرایط برای آنها بسیار سخت تر از مردان خواهد بود. در زلزله بم بیش از 2540 نفر زن خود سرپرست شدند. در اقتصادهای توسعه نیافته، بخش مهمی از مشاغل زنان، مشاغل غیر رسمی و یا خانگی هستند. آمارهای کلان در ایران معمولاً بسیاری از این مشاغل را به رسمیت نمی شناسد و اطلاعاتی درباره آن منتشر نمی کند. بنابراین در فقدان داده های لازم هیچ گونه برنامه ریزی برای بهبود زندگی بسیاری از زنان که تنها از طریق مشاغل غیر رسمی امرار معاش می کنند، وجود ندارد.

تقریباً 12 روستا در حاشیه شهر بم به کلی تخریب شدند و در نتیجه تخریب این روستاها بسیاری از منابع درآمدی زنان روستایی از جمله دام آسیب دید. بسیاری از زنان روستایی برای بازسازی منابع درآمدی خود محتاج منابع مالی هستند. شواهد و تجربیات نشان می دهد که مؤسسات اعتباری علاقمند نیستند به گروههای فقیر و به ویژه زنان خدمات مالی ارائه دهند. در سالهای اخیر برخی از مؤسسات در ایران از جمله بانک کشاورزی چندین برنامه اعتباری برای حمایت از زنان خود سرپرست و بی سرپرست دارد،

\* پژوهشگر مستقل و عضو هیئت علمی دانشگاه شهیدباهنر کرمان



کمیتة امداد امام (ره) نیز وامهای کوچک خود اشتغالی به زنان می دهد. اما در بم پس از زلزله هیچگونه خدمات مالی و اعتباری ویژه زنان ارائه نشده است. پس از زلزله بم برای اولین بار در ایران دولت اجازه داد که بسیاری از سازمانهای غیر دولتی داخلی و خارجی وارد فعالیت های امدادی و بازسازی شوند. سازمان امداد بین الملل یکی از سازمانهای غیر دولتی بین المللی است که برای کمک به آسیب دیدگان حاصل زلزله علاوه بر فعالیت بازسازی واحدهای مسکونی یک پروژه خرده وام دهی برای زنان روستایی تعریف نمود. دیدگاه پایه ای که این پروژه بر مبنای آن تعریف شد عبارت از این بود که کاهش فقر مستلزم درگیری و مشارکت مردم فقیر از طریق نهادهای متعلق به خود و بسیج پس انداز هایشان است. عنصر اصلی استراتژی این است که مردمان فقیر مردمانی کارآمد هستند ما می توانیم با تکیه بر توانمندی آنها برخی تغییرات را در شرایط فعلی بوجود آوریم.

برنامه های خرده وام دهی متکی بر مشارکت مردم ، پدیده تازه ای در ایران نیست. در بسیاری از شهرها و روستاهای و کارخانه ها ، مردمان گروههای کوچک خرده وام دهی دارند اما ترکیب برنامه خرده وام دهی با توانمند سازی و آموزش مداوم کار گروهی تجربه نسبتاً جدیدی است و نمونه های اندکی وجود دارد. یکی از نمونه ها پروژه کاهش فقر صندوق پایدار خانواده و UNDP است که در سال 1380 در سیستان و بلوچستان انجام شد. اهداف کلی این پروژه نیز تقویت کلی قابلیت های زنان و مردان به ویژه در یک ساختار گروهی برای توانمند سازی آنان ، افزایش درآمد خانواده و بالا بردن سطح آموزش و مهارت عنوان شده است.

مقاله حاضر بر اساس یک تحلیل انتقادی تلاش می کند تا رابطه خرده وام و توانمند سازی زنان را بر اساس تجربه پروژه خرده وام دهی زنان پشت رود توضیح دهد. در این مقاله ابتدا مطالعات انجام شده مرور خواهد شد و سپس با توصیف موقعیت روستای پشت رود ، پروژه خرده وام دهی معرفی شده و دستاوردها و مشکلات آن تحلیل می گردد.

## مروری بر ادبیات موضوع

در نگاه اول به نظر می رسد که بلایای طبیعی جنسیت ندارد و بطور یکسانی زنان و مردان از آن تأثیر می پذیرند. اما واقعیتهای اجتماعی و مطالعات انجام شده نشان می دهد که بلایای طبیعی و به ویژه آثار اجتماعی و اقتصادی آن مانند غالب پدیده های اجتماعی دارای ساختار جنسیتی است. د حقیقت وقتی یک حادثه طبیعی تبدیل به فاجعه می شود آثار اجتماعی آن تابع عملکرد الگوهای توسعه در گذشته آن منطقه است. به عبارت دیگر فجایع طبیعی هرگز آثاری را ایجاد نمی کنند که در گذشته الگوهای آن وجود نداشته است. نابرابری جنسیتی نیز الگویی است که در تاریخ بسیاری از جوامع سابقه ای طولانی دارد. بنابراین در روند بازسازی و بهبود پس از بلایای طبیعی ضرورت دارد که به تحلیلهای جنسیتی توجه نشان داد. مهم است که بدانیم چه کسی بر منابع موجود در خانواده دسترسی دارد. چه کسی در مقابل آن دارای مسئولیت است و چه کسی کنترل آن را بر عهده دارد. در حالیکه زنان به سختی درگیر فعالیتهای تولید هستند و مسئولیت های مربوطه را بر عهده دارند آنها غالباً کنترلی بر منابع تولید و استفاده از منابع حاصله



ندارد. ( در اینجا دسترسی به مفهوم فرصت استفاده از منابع ، مسئولیت به معنای تقبل وظایف مربوطه در رابطه با آن منبع و کنترل به معنای توانایی تصمیم گیری در جهت استفاده از منبع و یا سپردن آن به دیگران است. (FAO, IRR, 1995: 113)

تحلیلهای جنسیتی کمک می کند تا تصمیم سازان برنامه هایی را طراحی کنند که تفاوت نقشها ، منافع و نیازهای مردان و زنان را تشخیص دهد و نقش تولید کنندگی زنان را بدون افزودن بر کار آنها تقویت کند و در نهایت موجد پروژه هایی باشد که همکاریهای بین زنان و مردان را در تعیین آینده مشترک ترویج می کند. (FAO, IRR, 1995: 110)

مطالعات نشان میدهد که در جریان Disaster معمولاً آسیب های اقتصادی وارد آمده بر زنان چشم پوشی می شود در حالیکه زیان های اقتصادی وارده به زنان به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم بر زنان تحمیل می شود ، زیانهای مستقیم شامل از دست رفتن خانه ، دارایی و وسایل کار و غیر مستقیم زیانهای ناشی از دست دادن اشتغال مولد بیرون از خانه ، زیانهای حاصل از تولید و درآمد خانوار شامل backyard economy و کسب و کار خرد خانگی و در نهایت زیانهای ناشی از افزایش فعالیت های بازتولیدی بر زنان تحمیل می شود.

کسب و کار خرد مهمترین بخش اشتغال زنان را تشکیل می دهد حتی در کشورهای توسعه یافته ای مانند ژاپن ، گزارش های پس از زلزله کوبه نشان می دهد در حالیکه در طی دوره بازسازی به علت افزایش ساخت و ساز بیکاری مردان کاهش می یابد ، فعالیت های زنان با کندی بیشتر بازسازی می شوند (UNCRD,2003).

زنان سرپرست خانوار به ویژه در اقتصادهای کمتر توسعه یافته همیشه فقیر ترین اقشار اجتماعی محسوب می شوند ، برای غالب زنان سرپرستی خانوار یک نقش غیر داوطلبانه است و یکی از سخت ترین آثار Disaster افزایش سریع تعداد زنان سرپرست خانوار است ، زنانی که حتی در شرایط قبل از آن هم ناچار بودند به مشاغل کم مزد فاقد امنیت اجتماعی تن در دهند ( کاتارینو ، 1375 : 18).

در مناطق فقیر و به ویژه مناطق روستایی ، بدون توجه به آن که زنان سرپرست خانوار باشند یا نه ، مشارکت زنان در تأمین درآمد خانواده به اندازه مردان مهم است ، هر چند ممکن است که یک زن دارای یک کارمزدی نباشد اما با استفاده از فعالیت های مختلف رسمی و غیر رسمی کسب درآمد می کند. این درآمد می تواند هم از اقتصاد backyard باشد هم از یک کسب کار خانگی home – based. در حقیقت این مشاغل امکان انجام فعالیت تولید و بازتولید را همزمان می دهد و هیچکدام از این فعالیتها در زمره حسابهای ملی ثبت نمی شود .

در بسیاری از کشورهای جهان از این فعالیت ها حتی اطلاعات و آماری هم وجود ندارد ، فقدان آمار در زمینه مشاغل زنان موجب می شود که در برنامه ریزی رسمی پس از وقوع بلایای طبیعی کمترین توجه به زنان و بازسازی اقتصادی آنان وجود داشته باشد. از سوی دیگر یکی از مهمترین پیامدهای Disaster برای زنان از دست رفتن منابع سرمایه ای آنان است. زنان نه فقط به طور مستقیم خسارت می بینند بلکه همچنین دارای هزینه های فرصت بالایی نیز هستند ، زیرا درآمد خود را به دلیل آنکه وقت زیادی صرف انواع فعالیت های اضطراری و امدادی به اعضاء خانواده می کنند از دست می دهند.



اثرات بلایای طبیعی بیشتر بر روی مردمان فقیر و حاشیه ای مشهود است در بسیاری موارد Disaster در حقیقت ادامه فقر ، فقدان فرصت های مناسب برای توسعه مانند زیر ساختهای ضعیف مسکن ، فقدان بیمه های اجتماعی و منابع محدود کننده است و به همین دلیل فجایع طبیعی بر روی کسب و کارهای خرد شدید تر از فعالیت های بزرگ تأثیر می گذارد. مناطق روستایی نیز در بسیاری از موارد شدیدتر از مناطق شهری از زلزله تأثیر می پذیرند و در نتیجه زلزله بر کار زنان روستایی نیز شدیداً تأثیر می گذارد (Enarson ,2001).

برای بازسازی مشاغل خرد زنان ، اعتبارات و وامهای اشتغالزا اهمیت دارد. هر چند به قول تتودور شولتز در فقدان زیر ساختها و سرمایه گذاری های زیر بنایی صرف توزیع اعتبار نمی تواند منجر به توسعه شود. ( شولتز ، 1367 ) از سوی دیگر معمولاً خدمات بانکی همواره حق مردمان ثروتمند ، قوی و دارای نفوذ است. بانک ها وام گیرندگان تهیدست را وام گیرندگانی مخاطره آمیز می دانند . ( دورو ، 1373 ) و بنابراین کشاورزان فقیر و به ویژه زنان اغلب از دست یابی به اعتبارات نهادی بی بهره اند. هزینه های وام گیری برای آنها به دلیل شرایطی که وامهای رسمی دارند اغلب بالاست. دریافت وام از منابع رسمی در حقیقت یک رانت دریافتی و بواسطه سواد روابط خانوادگی و سیاسی است. ( Meyer , 1990 ) . بنابراین فقیران و به طور خاص زنان غالباً مجبورند به منابع غیر رسمی وام مراجعه کنند و وام دهندگان غیر رسمی معمولاً حاضر نیستند برای فعالیت های مبتنی بر ریسک و نوآوری وام پرداخت کنند. ( Prasad , 1993 ) در نتیجه امکان بازسازی اشتغال و یا ایجاد یک فعالیت جدید معمولاً از دست می رود. در چنین مواردی خرده وام دهی به عنوان یک راه عملی در جهت فراهم آوردن منابع مالی برای گروههای فقیر و به ویژه زنان مطرح شده است ، تاریخ اعتبارات خرد micro - credit به سالهای 1970 بر می گردد وقتی که پروفیسور ریونس پروژه گرامین بانک را در پاسخ به قحطی گسترده 1974 شروع کرد ، هدف اصلی فراهم کرده خدمات به ویژه وام و مشاوره های اقتصادی به افراد فقیر بود. ( Shivds , 2004 ) بر طبق اطلاعات Micro – Credit Summit Campaign در سراسر جهان امروزه 76/6 میلیون خانواده از اعتبارات خرد استفاده می کنند.

برنامه های خرده وام دهی انواع مختلفی دارد که سه نوع مهم آن عبارتند از :

- 1) اعتبارات خردی که به وسیله NGO ها و از طریق گروههای خرد همیار (خودیار) Self – help groups پرداخت می شود.
- 2) اعتبارات خردی که مستقیماً از طریق بانک پرداخت می شود و در آن از گروههای خودیار نیز استفاده می شود مانند مدل گرامین بانک.
- 3) اعتبارات خردی که از طریق بانک های عمومی برای کاهش فقر برای مثال در هند و تایلند و اندونزی پرداخت می شود. ( shivdas , 2004 )

توانمندی و مفاهیم آن



در دفاع از برنامه های خرده وام دهی گفته می شود که اعتبارات توانایی زنان روستایی را برای دسترسی به منابع کسب و کار افزایش می دهد ، باعث می شود که در رفاه اجتماعی اعضای خانوار سرمایه گذاری کنند ، این توانمندی اقتصادی به خود اتکایی و اعتماد به نفس بیشتر آنان می انجامد و آنها را قادر می سازد که در سایر فضاهاى زندگى نیز حقوق خود را درخواست کنند ( shivdas , 2004 ) .

توانمندی چیست و ما چگونه می توانیم توانمندی زنان را تعریف کنیم ، کبیر (2001) می پندارد که توانمندی به معنای توانایی انتخاب است ، او توضیح می دهد ، توانمندی ضرورتاً فرآیند تغییر موقعیتی است که در آن توان انتخاب کردن برای افزایش و دسترسی به منابع انکار می شود . کبیر همچنین سه بعد را برای توانمندی Empowerment تعریف می کند:

- 1) منابعی که ایجاد کننده شرایطی هستند که انتخاب تحت آن شرایط صورت می گیرد.
- 2) ظرفیت هایی که افراد را عنوان انتخاب کننده توانا می سازد.
- 3) دستاوردهایی که نتیجه انتخاب هستند.

Shivdas ( 2004 ) برای توانمند سازی سه سطح تعریف می کندکه

- 1) سطح فوری در ارتباط با منابع و ظرفیت های فردی است.
- 2) سطح میان مدت که با نقشها و منابع نهادی سرو کار دارد.
- 3) سطوح عمیق تر که با ساختارهای طبقاتی و جنسی و اقتصادی که تغییرات آن نیز می تواند اندازه گیری شود ارتباط دارد.

در حالیکه قابل انکار نیست که به خدمات مالی در مناطق روستایی نیاز است ، اما سؤال این است که چگونه می توان توانمند سازی زنان را به اعتبارات خرد ارتباط داد . محمود ، پژوهشگر بنگلادشی ، با اتکا به کارهای انجام شده در بنگلادش سه بعد مختلف توانمندی سازی را مطرح می کند:

- الف) شرایط توانمند شدن : اینکه اعتبارات خرد مجموعه ای از انتخاب ها و گزینه ها را گسترش می دهند که برای دستیابی زنان به افزایش رفاه و کاهش سیطره مردانه در دسترس هستند .
- ب) مسیر توانمند شدن: نگاهی به مفهوم ظرفیت زنان که در چندین بعد می تواند دیده شود: مشارکت در تصمیم سازیهایی که برای خانواده حیاتی و ضروری است ، افزایش خود اتکایی و اعتماد به نفس همچنین بهبود موقعیت زنان در برابر مردان .

ج) دستیابی به توانایی در سطوح شخصی ، خانوادگی و اجتماعی ، ایجاد نهادها و ارزش هایی که راههایی را برای بحث کردن پیرامون موضوعات و روابط اجتماعی و جنسی فراهم می کنند .  
در عین حال نتیجه گیریهای محمود نشان می دهد که یافته ها در مورد توانمند سازی زنان یکنواخت نیست ، او توضیح می دهد که دسترسی زنان به منابع به صورت واقعی توانایی انتخاب آنها را به میزان اندکی گسترش داده است . اما در عین حال اثرات مثبت معنی دارتری روی فرآیند های مربوط به تصمیم گیری زنان در مورد رفاه خانوار داشته است .



در نهایت نوعی در آمیختگی میان دستاوردها و پیامدهای حاصل از توانمند سازی وجود دارد. در حالیکه یک زن قادر است که از توانایی تصمیم گیری اش دفاع و حمایت کند ، هیچ دسترسی واقعی به منابع برای او وجود ندارد و او کماکان در سایر بخشها حذف می شود.

Shivdas می گوید برخی مطالعات نشان می دهد که در مواردی دسترسی به اعتبارات به تقویت

هنجارهای پدر سالارانه و تابعیت زنان منجر شده است و دلایل آن عبارت است از :

- 1) برنامه های بازپرداخت معمولاً با این فرض صورت می گیرد که فشار عامل کارآیی در بازپرداخت است و این موضوع فشار دیگری را بر زنان به عنوان جمع کننده بدهی اضافه می کند.
  - 2) تنشهای جدیدی به دلیل بازپرداخت وام در خانواده ایجاد می شود و این به ویژه زمانی است که کسب و کار شکست خورده باشد ، در نتیجه کلیه اعضای خانوار بایستی برای بازپرداخت کار کنند و این فشار جدیدی بر اعضاء خانوار وارد می کند.
  - 3) مردان از اعتبارات خرد زنان برای منابع خود استفاده می کنند.
- مطالعات دانشگاهی موارد دیگری نیز درباره اعتبارات خرد و توانمند سازی زنان مطرح کرده اند:
- موضوع شکل گیری سرمایه اجتماعی ، وقتی گروههای زنان شکل می گیرند ، موانع اجتماعی و فرهنگی برای دسترسی زنان به مشارکت در این گروهها وجود دارد و این می تواند در نتیجه انواع تبعیض هایی باشد که از قبل وجود داشته است.
  - اغلب درآمد حاصله از کسب و کار خرد به قدری کوچک است که امکان هرگونه تغییر واقعی را ممکن نمی سازد و در نتیجه کسب و ایسته به یک جریان مداوم وام می شود.
  - مدارک مستندی دال بر کنترل زنان بر روی درآمد نیست ، به ویژه وقتی که درآمد به خانواده منتقل می شود و درون خانه آورده می شود.
  - دسترسی زنان به سایر شبکه ها و نهادهای رسمی به خوبی ایجاد نمی شود ، بنیادهای خرده وام دهی به جای توسعه آموزشها ، صرفاً بر روی بازپرداخت وام تأکید می کنند.
  - فعالیت های اقتصادی زنان به سایر گروههای اجتماعی که احتمالاً می توانند آنها را در کسب موقعیتهای دیگر اجتماعی یاری کنند ، متصل نمی شود.
  - هنجارهای درون خانوار اغلب هنگام توزیع اعتبار چشم پوشی می شود. Shivdas

( 2004 )

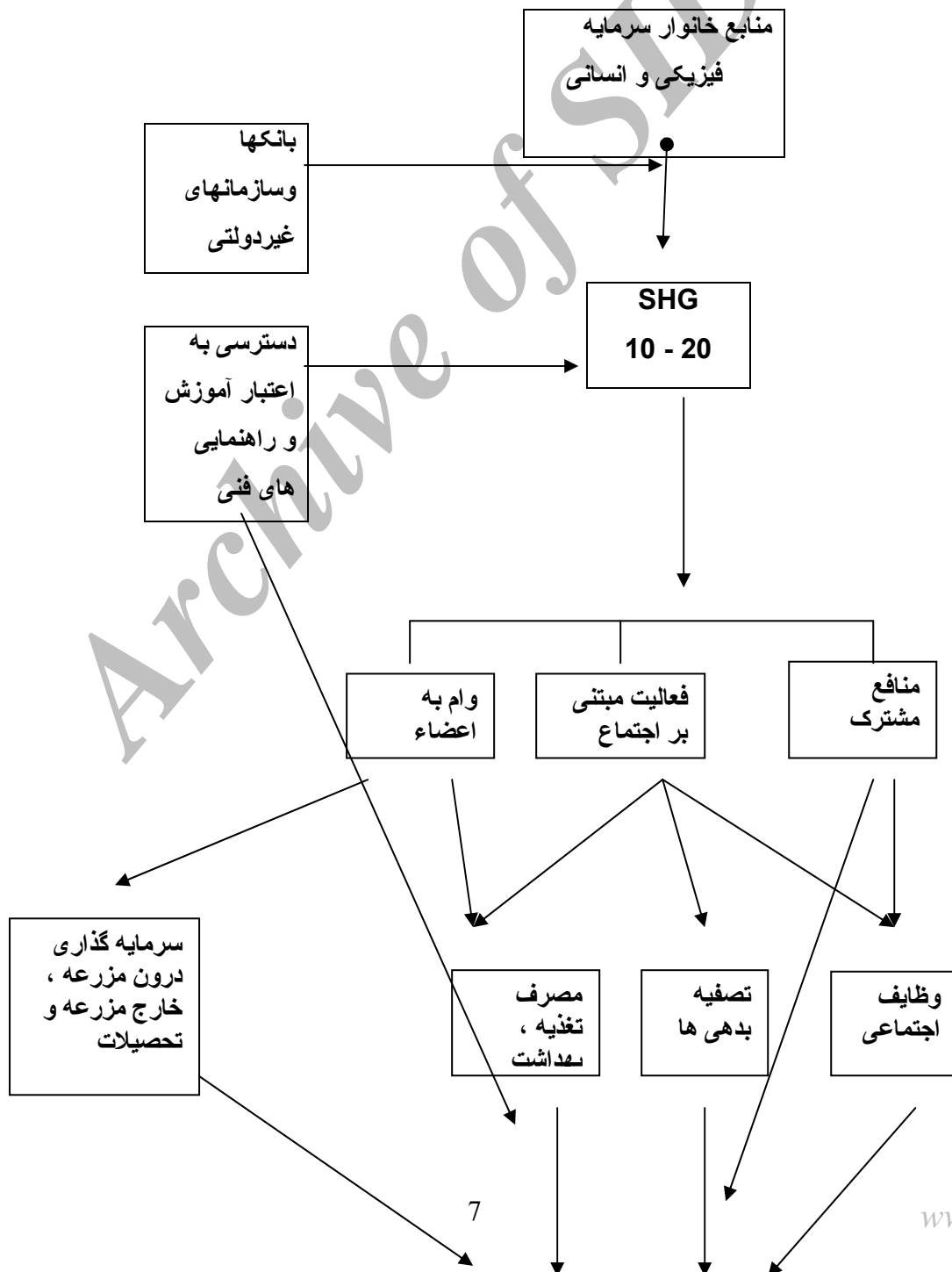
#### مکانیسم توانمند سازی و گروههای خودیار

درعین حال مروری بر تجربیات برنامه های خرده وام دهی نشان می دهد که ظرف توانمند سازی در حقیقت سازماندهی زنان در قالب گروههای خودیار و یا سازمانهای محلی است. در واقع در بسیاری موارد امکان دادن اعتبار به یک فرد فقیر وجود ندارد. بنابراین در ادبیات خرده وام دهی مفهومی به نام گروههای خودیار به وجود آمد ، گروههای خودیار (SHG) معمولاً گروههای غیر رسمی هستند که اعضاء آن درک مشترکی از نیاز و اهمیت یکسانی برای یک عمل مشترک جمعی قائل هستند، چرا این



گروهها ایجاد و تشویق می شوند؟ زیرا در این گروهها ( که در آن همه اعضا از حقوق مساوی ، برای مساوی و بیان مساوی دارند) می تواند توزیع امکانات عادلانه صورت بگیرد ، امکان مدیریت جمعی پس انداز وجود دارد بصورت سازمان یافته می تواند از خدمات درونی و بیرونی استفاده کند ، با تشکیل منظم جلسات به تمرین مدیریت خود اتکایی و فعالیت منظم حرفه ای بپردازد. ( معروفی ، 1383 : 3 )

- مدل یک گروه خودیار همراه با ارتباطات بیرونی (Ranjan, 2004)





افزایش اشتغال ، درآمد ، پس انداز  
( توانمند سازی )

در هند داستانهایی بی شماری از موفقیت SHG ها وجود دارد ، اما همچنین بسیاری از گروههای خودیار هم وجود دارند که به دلیل نارضایتی اعضایشان از هم پاشیده اند، یافته های حاصل از مطالعه میدانی در هند نشان می دهد که گروههای دارای نظم بیشتر در پس انداز و مطلع تر نسبت به قواعد و روابط آن با بانک ها پایدارتر هستند.

یکی از موضوعاتی که در برنامه های خرده وام بر آن تأکید می شود اهمیت رهیافتهای تلفیقی در مقابل رهیافت حداقلی است. رهیافت حداقلی می پذیرد که اعتبارات به تنهایی می تواند مردمان فقیر و به ویژه زنان را برای رسیدن به اهداف توسعه ای توانا سازد اما رهیافت تلفیقی تأکید می کند که بایستی مجموعه ای از خدمات در کنار اعتبارات ارائه شود. ( Kumar, 2004 : 11 )

لیندا ما یوکس یک دانشگاهی انگلیسی که بر روی پروژه های خرده وام دهی هند ویتنام کار کرده است نشان می دهد که زنان مشکلات جدی در گسترش کسب و کارشان دارند ، دربرنامه های اعتباری مداخلات فعالی برای توسعه خلاقیت و نوآوریهای زنان وجود ندارد.

کومار (2005) اشاره می کند در بسیاری از مناطق روستائیان فقیر امکانی برای خود اشتغالی ندارند ، بنابراین بایستی برنامه خرده وام دهی متناسب با موقعیت آنان برنامه ریزی شود.

از سوی دیگر مداخله فعال در برنامه های خرده وام دهی صرفاً به آموزش مهارت فنی و اشتغال محدود نمی شود. ضرورت دارد که از طریق روشهای مشارکتی برنامه های آموزش مدیریت رهبری نیز ارائه شود. به نظر می رسد این آموزشها به تقویت و پایداری گروهها منجر می شود. با این دیدگاه از توانمندی است که محمد یونس بنیانگذار گرامین بانک اظهار می دارد ما به دلایل وام گیری کار نداریم زیرا خود فرد در گروهی به آن تعلق گرفته برنامه خود را مورد توافق قرار داده است ما میگوییم « پول از ما ، فکر از شما » ما از نصیحت کردن مردم خود داری می کنیم تا آنها نسبت خود اعتماد پیدا کنند. ( پیام یونسکو ، 1375 : 16 )  
مروری بر ادبیات اعتباری نیز نشان می دهد که در مناطق روستایی و در کشاورزی معیشتی واحد خانوار از واحد تولید جدا نیست بنابراین استفاده از وام به منظور تأمین غذای خانوار و یا درمان به معنای سرمایه گذاری و افزایش کارایی نیروی کار است. ( اخلاص پور ، 1376 : 41 ).





## فرضیات تحقیق

مروری بر مطالعات انجام شده نشان می دهد که وجود فعالیت های اقتصادی در منطقه انجام پروژه برای زنان از اهمیت اساسی برخوردار است و ظرفیت های موجود به عنوان یک پایه اولیه برای تأثیر گذاری برنامه های خرده وام دهی عمل می کنند. به نظر می رسد که دلایل دریافت وام با توانمند سازی زنان ارتباط دارد و در صورتی که برای موارد مصرفی مورد استفاده قرار گیرد انتظار می رود که اثرات ناچیزی داشته باشد. در عین حال چگونگی بازپرداخت اقساط وام و اینکه این بازپرداخت توسط چه کسانی انجام می شود ، به عنوان یک عامل اساسی در توانمند سازی زنان اهمیت دارد. مطالعات همچنین نشان می دهد که برای استفاده بهتر از وام ، آموزشهای فنی و ترویجی ضروری است و در عین حال دسترسی زنان به شبکه ها و نهادهای رسمی ظرفیت آنها را در استفاده از وام افزایش می دهد.

از سوی دیگر تحقیقات نشان می دهد که توانمند سازی زنان قبل از آنکه یک فرایند اقتصادی باشد ، یک فرایند اجتماعی نیز هست. ظرفیت های اجتماعی موجود می تواند در جهت برابری زنان عمل کند ، بایستی دانست که چه هنجارهای اجتماعی می تواند فرایندهای دموکراتیک را دچار ناتوانی سازد و در نهایت بین پروژه های خرده وام دهی و توانمند سازی زنان روستایی ارتباطی برقرار نشود. در این مقاله تلاش می شود با استفاده از یافته های میدانی پروژه خرده وام دهی زنان پشتروود این فرضیات مورد بررسی قرار گیرد.

## روش تحقیق

در این پژوهش از انواع روشهای میدانی برای جمع اوری اطلاعات استفاده شده است . استفاده از چندین روش همراه با هم باعث دقت بیشتر خواهد بود. این روشها عبارتند از :

- بازدید میدانی از پشتروود و اطراف آن
- ملاقات با ده دامدار زن
- مصاحبه نیمه ساختاری با زنان وام گیرنده و نماینده شورای روستا و زنانی که دارای های سرمایه ای خود را از دست داده اند.
- انجام بحث های گروهی متمرکز با اعضای 20 گروه خودیار
- استفاده از پیمایش 1000 خانواری سازمان جهانی بهداشت

## منطقه مورد مطالعه : روستای پشتروود در شمال شهر بم

پس از زلزله 5 دی ماه شهر بم و برآوات و 12 روستای پیرامون آن به شدت آسیب دیدند و بسیاری از خانوارها منابع در آمدی خود را از دست داده اند پشتروود یکی از بزرگترین روستاهای آسیب دیده در جریان زلزله 5 دی ماه است. این روستا دارای 2300 نفر جمعیت است که بیش از 800 نفر آن کشته شدند. ( نقشه منطقه آسیب دیده ) منابع اصلی در آمد مردم روستا کشاورزی و دامداری است. مهمترین تولید کشاورزی خرما می باشد که در جریان زلزله آسیب ندیده است. اکثریت مردم روستا فاقد باغ هستند و در



باغهای دیگران کار می کنند ، داده های حاصل از پیمایش 1000 خانواری WHO نشان میدهد که 50 درصد پاسخگویان فاقد باغ و زمین هستند و بیش از نیمی از صاحبان باغ نیز مالک کمتر از 50 اصله خرما هستند بسیاری از خانواده های کم درآمد ترکیبی از فعالیت های مختلف مانند کارگری ، دامداری و حمایت های کمیته امداد به امرار معاش می پردازند. دامداری به عنوان یک منبع درآمدی تکمیلی و مهم به حساب می آید.

یافته های میدانی نشان می دهد که بیش از 1/3 زنان پشتتود خانه دار هستند و هیچ فعالیت درآمد زایی را انجام نمیدهند. تقریباً 1/4 آنها دامدار هستند ، کمتر از 10 درصد آنها کارگر کشاورزی ، کوره پزی ، بسته بندی محصولات کشاورزی و یا نانوا هستند و به کسب درآمد نقدی می پردازند. و در خانوارهای دارای باغ خرما اغلب زنان در جمع آوری و بسته بندی خرما کمک می کنند . اطلاعات حاصل از پیمایش سازمان جهانی بهداشت نشان می دهد که تقریباً 15 درصد خانوارها دارای سرپرست زن هستند و در میان شهر و روستا تفاوت معنی داری به چشم نمی خورد . همچنین نشان می دهد که بین روستا و شهر در زمینه فعالیت های درآمدزای انجام شده تفاوت معنی داری وجود دارد .

نهادهای اجتماعی موجود در سطح روستا خانه بهداشت و شورای روستا می باشد کارکنان خانه بهداشت زن و اعضای شورای روستا مرد می باشند .

برای انجام پروژه خرده وام دهی ، در ابتدا با استفاده از پرسشنامه و روش PRA فعالیت های زنان در منطقه شناسایی گردید و با توجه به اینکه زنان یک عنصر اقتصادی فعال در پشتتود هستند پروژه خرده وام دهی ( از این به بعد صندوق نامیده خواهد شد) با هدف ترمیم و بازسازی وضعیت اشتغال قبل از زلزله و افزایش درآمد خانوارهای باسرپرست زن پیشنهاد شد.

#### مراحل شروع کار صندوق

روش شناسی که این پروژه خرده وام دهی بر مبنای آن قرار دارد عبارت است از :

| روش                        | پیشنهاد  | منطق   |
|----------------------------|--|--|
| تعداد اعضا                 | 300 – 50   | تقاضا ، ظرفیت مدیریت بانک  |
| ساختار وام دهی             | گروههای 15 – 25 نفره   | مدیریت دموکراتیک<br>مشارکت فقیرترین اعضا<br>ضمانت دو جانبه                           |
| جنسیت                      | زنان   | هدف توانمند سازی زنان  |
| موارد استفاده از وام بانکی | مغازه داری ، دامداری ، صنایع خانگی و سایر فعالیت های درآمدزا | تقاضای مشتری و زمینه های مختلف قابل اجرای فعالیت اقتصادی در روستا                    |
| حداکثر میزان وام اولیه     | 7000000 ریال   | نیاز پایه مصرفی در روستا   |
| طول دوره                   | 6 تا 18 ماه  | فرصت بازگشت در قالب اقتصاد روستایی   |
| روش بازپرداخت              | هفتگی  | حضور مداوم افراد ، نظارت بر مدیریت دموکراتیک ، شناخت شرایطی که مانع بازپرداخت می شود |



|                            |                                    |  |
|----------------------------|------------------------------------|--|
| پس انداز                   | یک مبلغ ثابت هفتگی                 | ماندگاری مشتریان ، دسترسی به پس انداز فراهم آوردن منابع مالی برای وام های خودگردان |
| سیستم کنترل کننده و ارزیاب | گروههای خودیار سرگروه ، مدیر پروژه | اطمینان از اجرای درست برنامه   |

در مراحل اولیه روش انتخاب افراد نیازمند وام، با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی PRA بود که با کمک 45 زن شاخص های فقر تعریف شد و سپس 8 زن برای دریافت وام انتخاب شدند. در مراحل بعدی با تشکیل جلسات و افزایش مناقضیان وام از اعضای صندوق خواسته شد که به صورت گروههای 15 - 25 نفره دسته بندی شوند و اعضای این گروهها می بایستی از بیشترین منافع مشترک و آشنایی با یکدیگر برخوردار باشند تا بتوانند با مشارکت یکدیگر اعضای دارای اولویت را برای دریافت وام به صندوق معرفی کنند. اعضای گروهها هر هفته در یک محل (مرکز فرهنگی پشت رود) گرد هم می آیند و با استفاده از پس انداز منظم هفتگی (که معمولاً مبلغی معادل 200 هزار تومان تا 300 هزار تومان می شود) وامهای کوچک 50000 تومانی را بر مبنای سه قاعده: قرعه کشی، میزان پس انداز افراد و نیاز فوری توزیع می کنند و سپس با اعلام اسامی افراد دارای اولویت درخواست وام بزرگ برای اشتغال ر از صندوق را می کنند.

از آنجا که مفهوم کار گروهی، ضمانت دوجانبه و بسیاری از مفاهیم پروژه خرده وام دهی برای زنان عضو صندوق روشن نبود یک برنامه آموزشی همراه با ارزیابی مشارکتی از فعالیت های تاکنونی پروژه خرده وام دهی برای سرگروهها و سپس برای اعضای گروه برگزار شد. (مجموعاً 283 زن در این ارزیابی مشارکتی شرکت کردند).

از 283 زن عضو صندوق که در این ارزیابی شرکت کردند بیش از 23 درصد آنها بی سواد بودند (اطلاعات حاصل از پیمایش WHO نیز نشان میدهد که تقریباً 24 درصد خانوارها در بم و روستاهای اطراف دارای سرپرست بی سواد هستند). 26/2 درصد از از زنان عضو صندوق دارای دبلم و بالاتر بودند. 75 نفر از آنها هیچ گونه فعالیت اقتصادی قبل از زلزله نداشته اند و بیش از 100 نفر از آنها دارای یک فعالیت درآمد زای اقتصادی (دامداری، کشاورزی و کارگری و صنایع خانگی) قبل از زلزله بوده اند کمتر از 40 درصد آنها قبل و بعد از زلزله در فعالیت های اجتماعی مشارکت داشته اند که البته بیشترین مشارکت مربوط به فعالیت های اجتماعی پس از زلزله است. بیش از 56 درصد از اعضا دارای حساب بانکی در قرض الحسنه ها بوده اند. (دارا بودن حساب پس انداز با میزان سواد همبستگی نداشت) اما فقط 25 درصد آنها قبل از زلزله وام از منابع رسمی دریافت کرده اند که مهمترین منابع رسمی دریافت وام صندوق های قرض الحسنه، بانک رفاه و بانک کشاورزی بوده است.

منابع غیر رسمی وام خویشاوندان ودلالان خرما می باشند، اکثریت خانواده ها نسبت به دریافت وام به ویژه از سوی زنان نظر مثبتی ندارند.



زنانی که وام های صندوق را دریافت کردند اغلب دامدار هستند ( 20 نفر از 49 نفر دریافت کننده وام ) و 13 زن قبل از زلزله فعالیت اقتصادی نداشته اند نیز برای شروع یک فعالیت جدید اقتصادی وام دریافت کرده اند . و هر 13 نفر دام خریداری کرده اند . یک نفر از وام گیرندگان ، از وام صندوق برای باز پرداخت وام قبلی استفاده کرده است و یک نفر نیز آن را پس انداز نموده است . 31 نفر از وام گیرندگان به تنهایی و توسط درآمد حاصله از کار خود وام را می پردازند و 18 نفر دیگر اعلام کرده ان که خانواده در بازپرداخت وام به آنها کمک می کند . کمتر از 10 درصد اعضای صندوق اظهار داشتند که از مقررات صندوق اطلاع ندارند . بین عدم اطلاع و سواد رابطه ای مشاهده نشد . همچنین بین سواد و دریافت وام از طریق صندوق نیز رابطه ای وجود ندارد . در حالیکه در کل گروه مورد مطالعه 21 درصد زنان بیسواد هستند ، بیش از 40 درصد از دریافت کنندگان وام صندوق نیز بیسواد هستند .

کلیه دریافت کنندگان وام اظهار داشتند که پس از دریافت وام به نظر آنها در خانواده اهمیت بیشتری داده می شود و یکی از مهمترین محاسن صندوق برای اعضاء ، جلسات هفتگی آن است که باعث می شود « کسانی که قبلا در چنین مجالسی شرکت نداشته اند حالا شرکت کنند و در مورد اجتماع خود باخبر شوند ، با دیگران بهتر ارتباط برقرار کرده و نظرات و پیشنهادات دیگران را در کارهای خود امری مهم بدانند و اگر در کار خود مشکل داشتند بدون خجالت مراجعه کرده و مشکل خود را بگویند» .

و یا « دور هم جمع می شویم ، مشورت می کنیم و اعتماد به نفس ما قوی تر می شود» .

ذخیره کردن پول ، نکته جذاب دیگری است که هر چهارشنبه زنان را به جلسه هفتگی می کشاند . ارزیابی همچنین نشان می دهد که در طی ده سال اخیر به تدریج فرهنگ روستا تغییر کرده است و خانواده کمتر با کار و تحصیل زنان در خارج از خانه مخالفت می کنند و صندوق نیز این تغییر فرهنگ را تقویت کرده است . به ویژه چون امکان کار برای زنان خانه دار و خروج از خانه را برای آنها فراهم نموده است در عین حال پس از فاجعه عظیم زلزله و گوشه نشینی و انزوای زنان به دلیل فقدان اعضای خانواده ، این گردهمایی های جمعی در روحیه و اعصاب آنها به شدت تأثیر مثبت می گذارد ، آنها امیدوارند این صندوق به یک بانک کوچک پایدار تبدیل شود و به ویژه برای زنان خود سرپرست امکان کار فراهم کنند ، اما در عین حال اعضای صندوق اعتقاد دارند که بایستی بانک از تنوع خدمات مالی برخوردار باشد و کلاسهایی برای حرفه آموزی در کنار آن بوجود آید .

مهمترین مشکلی که دریافت کنندگان وام با آن مواجهند فشار بازپرداخت اقساط است به ویژه برای زنانی که خود سرپرست هستند ، زهرا می گوید « چهار شنبه ها برای من خاطره بدی شده است ، چون اقساط وام روی هم جمع شده اند» .

فاطمه می گوید : « ما وام گرفتیم و یک گوسفند خریدیم ولی گوسفند بر اثر مریضی از بین رفت و این به ضرر من تمام شده است»

از سوی دیگر علیرغم گروه بندی، هنجارهای فرهنگی بر خلاف اصول صندوق عمل می کند « سرگروه با هرکسی رودر بایستی دارد مثلاً قوم یا خویش یا همسایه ، اول اسم او را برای وام می نویسد بدون اینکه فکر کند چه کسی بیشتر به وام احتیاج دارد»



روشهای وام گیری رسمی در اینجا نیز خود را نشان می دهد که « یکی هم گاو گوسفند همسایه را نشان میدهد و می گوید آن را خریده است ».

از سوی دیگر درحالیکه جلسات هفتگی همه سرگروهها و اعضا علاقمند هر هفته تشکیل می شود، جلسات هر گروه به طور منظم تشکیل نمی شود و اخبار صندوق به اعضا به طور دقیق رسانده نمی شود. چون در برخی گروهها روشهای دموکراتیک وام دهی بر اساس گروه خوب عمل نمی کند، اعضای فقیرتر صندوق پیشنهاد می کنند که بصورت مخفیانه از سوی مدیران اصلی پروژه برای شناخت نیازمندان واقعی تحقیق شود.

در عین حال برخی گروههای فقیر مانند کارگران کوره آجر پزی به حاشیه رانده می شوند در صورتی که مدیریت پروژه مستقیماً دخالت نکند عملاً حذف می شوند. کارگران فقیر کوره پز خانه فاقد هرگونه منابع اقتصادی و کسب و کار خرد هستند. آنان قبل از زلزله در کنار همسرانشان به کار آجر پزی مشغول بوده اند. کارگران کوره پز خانه به عنوان یک اقلیت قومی « اهل نرماشیر که پس از زلزله مطروندتر شده اند » از سواد بی بهره اند.. و به این دلیل غالباً با یکدیگر هم نا آشنا هستند آنها چند گروه کوچک را تشکیل داده اند و مشترکاً یک سرپرست انتخاب کرده اند. پس اندازهای این گروهها نا منظم است و معمولاً در جلسات هفتگی هم به طور منظم شرکت نمی کنند.

## نتیجه گیری

بر مبنای فرضیات مطرح شده ظرفیت های اولیه برای تأثیر گذاری برنامه های خرده وام دهی وجود دارد، زیرا زنان روستای پشترود در فعالیت های اقتصادی مشارکت می کنند و دارای فعالیت های درآمدزا هستند، همچنین به علت نزدیکی روستا به شهر بم، امکان گسترش بسیاری از فعالیت های خدماتی مناسب برای عرضه در شهر نیز وجود دارد. همچنین 80 درصد زنان عضو صندوق باسواد هستند، سواد و کار زنان به عنوان سطوح فوری در امر توانمند سازی اهمیت دارند یعنی ظرفیتهای واقعی موجود در جهت توانمند شدن زنان عمل می کنند.

در سطوح میانی، نقش نهادها و هنجارها دارای اهمیت است، در حالی که به وضوح تغییر هنجارهای فرهنگی مشاهده می شود و از مشکلات زنان برای دستیابی به تحصیلات و کار کاسته شده است اما هنوز در نهادهای رسمی روستا و به ویژه نهاد انتخابی آن (شورا) هیچ زنی وجود ندارد. در نهاد خانواده با آنکه امکان تصمیم گیری و تأثیر گذاری بر تصمیم گیری وجود دارد اما کنترل واقعی به منابع مانند زمین و دام برای زنان وجود ندارد. مطالعات میدانی نشان میدهد که کلیه وامهای بزرگ (به جز دو مورد) برای ایجاد اشتغال استفاده شده اند و اکثریت وامهای کوچک (صندوق هر هفته حداقل 5 وام 50 هزار تومانی پرداخت می کند) برای موارد مصرفی و یا خرید علوفه برای دام و یا تکمیل بخشی از مسکن بکار رفته اند. بنابراین کسب درآمد اقتصادی می تواند در تقویت مشارکت اقتصادی و توانمندی زنان تأثیر گذار باشد. اکثریت زنان وام گیرنده اظهار داشته اند که پس از دریافت وام، به



نظرات آنها در خانواده توجه بیشتری می شود. همچنین گردهمایی چهار رشنبه ها به مکانی برای بحثهای اجتماعی پیرامون بهداشت روستا، کودکان و مشکلات مانند اعتیاد تبدیل شده است.

یکی از کاستی های مهم صندوق فقدان آموزشهای حرفه ای و ترویجی است که می تواند در گسترش فعالیت های زنان نقش مهمی را بازی کنند. از سوی دیگر به دلیل فقدان قوانین مناسب و تازگی پروژه به لحاظ مالی دسترسی زنان عضو صندوق به سایر شبکه ها و نهادهای مالی رسمی ایجاد نشده است. بنابراین در شرایط موجود در برخی از سطوح ظرفیت هایی برای افزایش توانایی انتخاب و دسترسی به منابع وجود دارد و به نظر می رسد با تقویت ظرفیت های موجود میتوان به افزایش گزینه های انتخابی توسط زنان و دسترسی آنها به منابع کمک کرد.

از سوی دیگر هنوز تعداد قابل توجهی از زنان برای بازپرداخت وام به منابع خانوار وابسته اند و این می تواند به تسلط مردانه تداوم بخشد. تعداد کمی از دریافت کنندگان وام که اغلب زنان سرپرست خانوار هستند از افزایش فشار بدهی ها احساس نگرانی می کنند. ادامه این روند می تواند مانع پیوستن گروههای فقیرتر به صندوق شود.

تحقیقات نشان میدهد که توانمندسازی علاوه بر یک فرایند اقتصادی یک فرایند اجتماعی نیز هست. فعال سازی زنان در یک فرایند اجتماعی یعنی سازمان دهی بصورت گروهی و حضور منظم آنان در جلسات حرفه ای به عنوان اولین قدم دارای اهمیت اساسی است اما آموزش های ناکافی برای گسترش نظارت دموکراتیک و تبادل نظر وجود دارد. بنابراین هنجارهای گذشته هم از نوع خویشاوندی و هم اقتصادی می توانند بر این فرایند تأثیر گذار باشند.

زمینه های واقعی برای حذف زنان فقیر وجود دارد. نتایج نشان میدهد در حالی که صندوق به ویژه با استفاده از سیستم گروههای خودیار تا حد زیادی موانع توانمندسازی را کاهش می دهد نیازمند یک ارزیابی مداوم و توجه دقیق برای رعایت سازوکارهای دموکراتیک می باشد. با توجه به اینکه کمتر از یک سال از ایجاد صندوق می گذرد، صحبت درباره پایداری گروهها زود است هر چند جابجایی اعضاء در میان گروههای مختلف و ادغام گروهها در یکدیگر به چشم می خورد.

از سوی دیگر بایستی به آموزش های حرفه ای در کنار پرداخت وام توجه بیشتری شود همچنین در شرایطی که هنوز ساز و کار مناسب اتصال به شبکه های رسمی مالی تعریف نشده است، آموزشهای اجتماعی لازم برای اتصال گروههای زنان به شبکه ها و نهادهای اجتماعی رسمی برقرار گردد.

#### منابع فارسی

- آتال، یوکش و الس اوین، 1379، « فقر و مشارکت در جامعه مدنی »، مترجم: ایرج پاد، تهران، انتشارات سروش.
- اخلاص پور، رویا و سعید یزدانی، 1376، « بررسی عوامل مؤثر بر دسترسی به اعتبارات رسمی و نحوه اثر گذاری آن در تولید کشاورزی » پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ایفاد/بانک جهانی، 1373، « فقر و روستا: مجموعه مقالات »، ترجمه: ابراهیم زاهدی عبقری و زهره کسای، ناشر: مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.



شولتز ، تئودور ، 1367 ، « گذار کشاورزی سنتی » ، مترجم : سید محمد سعید نوری نائینی ، نشر نی .  
کار ، مهر انگیز ، 1378 ، « رفع تبعیض از زنان : مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با قوانین  
داخلی ایران » تهران ، نشر قطره .  
تشریح ترویجی شماره (1) ، تهیه شده توسط دکتر پروین معروفی ، اسماعیل حمیدی ، حبیب الله کریمیان :  
صندوق توسعه پایدار خانواده .

#### منابع انگلیسی

Adams, W. Dale, 1988, "The Conundrum of Successful Credit Project in Founding Rural financial Markets", Economic Development and Cultural Change vol.36, no.2: 357- 67  
Enrason , Elaine , 2001. "We Want Work: Rural Women in The Gujarat, drought and Earthquake, university of Colorado.  
FAO and IIRR, 1995, Resource Management for upland in Southeast Asia. Farm field Document 2. Printed in The Philippines.  
Kumar, prophet , 2003. "Micro – Finance operations by CECOEDCON : A Study on strategic options". Center for Community Economics And Development Consultants Society.  
Meyer . L . Richarrd , 1990 , " Analyzing the Farm – level Impact Of Agricultural Credit : Discussion" , American Journal of Agricultural Economics , vol. 72 , No.5 , pp, 1158 – 60.  
Prasad, Viswa , 1993. "Supply of short term Credit and Estimation of Credit Gaps in mesa district (A.P)". Indian Cooperative Review 30: 4 (CAB Abstract).  
Ranjan(, Ranjash , 2004. "Micro – Finance through SHG – a tool of development". Inter national Seminar on Micro – Credit for Youth. Shiraz, Iran.  
Shivdas, Meena , 2004 , " A short note on micro – credit" International Seminar on micro Credit for youth , Shiraz , Iran.  
UN / ISDR , 2002 . "Women disaster reduction and Sustainable development Commission on The status of women.  
EIAC , The January 13 , 2001 , Earthquake in El Salvador : Socio – economic and environmental Impact.  
UNCRD and Disaster Management Planning Ityogo Office, 2003. "From Disaster to community development: The Kobe experience.